

آل فریغون

یک دودمان دانش دوست از امرای محلی افغانستان

در افغانستان مقارن ظهور اسلام چندین دودمان امرای محلی حکمرانی داشتند که مؤرخان دوره اسلامی ایشانرا بنام کابلشاهان و رتبیلان زابلستان و داوران شاه زمین داور و شیران بامیان و شاران غرjestان و رادویه سرخس و گوزگان خداه و سامان خداه بلخ و غیره یاد کرده اند. یکی از این دودمانهای حکمرانان افغانی آل فریغون یا فریغونیان اند که در جوزجان افغانستان شمالی از حدود (۲۵۰ تا ۴۱۰ هـ) فرمان روائی داشتند این دودمان در عصر سامانیان و غزنویان دارای شهرت تام بوده اند و روابط دوستی و خویشاوندی را با هر دو خانواده سلطنت حفظ میکردند و شاهان صلح دوست و علم پرور ودانشمند بودند.

سرحد شمالی حکمرانی ایشان شمالاً دریای آمو و جنوباً غرjestان و غور و تالقان (نزدیک رباط کروان هریرود علیا) تا حوالی زمینداور و هیرمند بود که در غور حکمرانی بنام غورشاه زبردست فریغونیان بودی. خود گوزگون بر حوالی سرپل کنونی اطاق شدی و این دودمان او نسل شاهان قب الا سلام (گوزگان خداه) مردم رباط فریغون بودند که بقول مقدسی به فاصله راه یکروزه اندخود (اندخوی) کنونی و کرکی واقع بود. از خود فریغون سرسلسله این خاندان معلوماتی نداریم جز اینکه بقول العتبی در حدود قرن سوم هجری در نواحی رباط فریغون میزیست اما فرزند او احمد بن فریغون نخستین مردیست که در تاریخ دوره اسلامی ازین خاندان او را می شناسیم.

نرشخی مؤلف تاریخ بخارا گوید به سال (۲۸۷ هـ = ۹۰۰ م) که امیر اسماعیل سامانی با عمرو لیث صفاری در بلخ مصاف داد امیر احمد فریغونی از طرف عمرو لیث به حکمرانی بلخ نیز شناخته شد قابوس نامه او را مالک بسی او گله های اسپان می شمارد که روزی هزار کره از رق آورد و این سخن مبالغه نخواهد بود زیرا مردم آن سرزمین تاکنون بگله داری اسپ مشهوراند.

دیگر از حکمداران این خاندان ابو الحارث محمد بن احمد است که ما او را از کتاب جغرافی قدیم زبان فارسی حدودالعالم می شناسیم و حکمدار دانش دوستی بود و کتاب مذکور بسال (۳۷۲ هـ = ۹۸۲ م) به وی تقدیم شده بود، که در زمان اقتدار این خاندان حکمرانی داشت و اصطخری در حدود (۳۴۰ هـ = ۹۵۱ م) ازو ذکری دارد و به قول بارتولد بسال (۳۶۵ هـ = ۹۷۵ م) دختر خود را به شاه جوان سامانی نوح بن منصور داد و بعد از (۳۸۰ هـ = ۹۹۰ م) بقول العتبی نوح بن منصور او را به پیکار فائق طلبید ولی کشست خورد و ابن اثیر گوید : که بسال (۳۸۳ هـ) نوح از خراسان به گوزگانان آمد و ابو الحارث بدو پیوست و در سال (۳۸۵ هـ) که سبکتگین بافائق مصاف داده بود ابوالحارث به کمک او بهرات شتافت و در همین اوقات بقول العتبی دختر دیگر خود را به محمود بن سبکتگین داد و یکدختر سبکتگین را به پسر خود ابوالنصر احمد بن محمد گرفت و در سال (۳۸۶ هـ = ۹۹۶ م) که سبکتگین درگذشت همین ابوالحارث بین محمود و برادرش اسماعیل صلح کرد و با سلطان محمود بغزنه رفت و در سال (۳۸۹ هـ) محمود گرفتاری اسماعیل را نیز به ابوالحارث سپرد و این آخرین ذکریست از ابوالحارث در اوراق تاریخ.

العتبی بسال (۳۹۴ هـ = ۱۰۰۳ م) ذکری از یک نفر بنام فریغون بن محمود دارد که محمود او را از بلخ به تعقیب آخرین شهزاده سامانی منتصر بحدود اندخود و مسرورود فرستاده بود ولی تحقیقی از احوال او در دست نیست.

اما شخص دیگر ازین خاندان ابو نصر احمد بن محمد ابوالحارث است که بقول محمد بن عبدالجبار و عبدالحی گردیزی والی گوزگانان بود و در سال (۳۹۸ هـ = ۱۰۰۷ م) در جنگ پل چرخیان بین قراخانیان و برادر محمود در قلب لشکر محمودی قیادت کردی و در سال (۳۹۹ هـ = ۱۰۰۸ م) در جنگ بهیم نگر هند نیز با سلطان محمود همراه بود و بسال (۴۱۰ هـ = ۱۰۱۰ م) از جهان رفت.

بیهقی در حوادث سال ۴۱۰ هـ گوید که در همین سال محمود به غور رفت ولی شهزاده گان او مسعود و محمد بعمر ۱۴ سالگی در زمینداور بموافقت حسن نام فرزند امیر فریغون گوزگانان میزیستند. چون درین سال امیر ابوالحارث مرده بود بنا بران حسن فرزند جوان او از بطن دختر سبکتگین نامزد تاج و تخت گوزگانان بود ولی بیقین معلوم نیست که این حسن فرزند همان فریغون بن محمد بود یا فرزند ابو نصر احمد اما میدانیم که سلطان محمود بقول العتبی و عوفی دختر امیر ابو نصر فریغونی را برای پسر خود محمد گرفت و سرزمین گوزگانان را به ابو نصر باز داد و ابو محمد حسن بن مهران را بکفالت امور انجا باوی مقرر کرد. گویا خطه گوزگانان در سال (۴۰۸ هـ = ۱۰۱۷ م) پوره در تحت اقتدار مرکزی غزنویان آمده و ناصر خسرو قبادیانی در حالیکه از فر و شوکت محمودی ذکری دارد باین واقعه اشارت نماید و گوید:

کجاست آنکه فریغونیان زهیت او زدست خویش بدادند گوزگانان را باین صورت دودمان فریغونیان شاهان محلی شمال غربی افغانستان بودند که پرورش علوم و عدالت و نیکنامی شهرت داشتند و بدربار ایشان علماء و نویسندگان معروف خراسان پرورش یافته اند که ثعالی در یتیمه الدهر ایشان را به نیکی برده است و برخی از افراد این دودمان در عربی شاعر و نویسنده نیز بوده اند.

با دربار گوزگانان و آل فریغون ادباء و مؤرخان و شاعران نامی پیوستگی داشتند که از آن جمله نام بدیع الزمان همدانی متوفی ۳۹۸ هـ صاحب مقامات و ابوالفتح بستی منشی و شاعر معروف عربی و فارسی متوفی حدود ۴۰۰ هـ و ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی متوفی ۳۸۳ هـ صاحب مفاتیح العلوم و مؤلف نامعلوم حدود العالم حدود ۳۷۲ هـ و ابو نصر محمد بن عبدالجبار العتبی متوفی ۴۲۷ هـ، نویسنده تاریخ یمینی اندوهمین مؤخر مواخر الذکر این خاندان را در علو همت چون فکر و در غزات و سماحت چون جیحون می نویسد و ابوالفتح بستی را در مدح ایشان مدایحی است که در یکی از آن قصاید گوید:

بنو فریغون قوم فی وجوههم
سیما الهدی وسناً السوودالعالی

دو دوره تاریخ عصر اسلامی تاکنون ما شش نفر را ازین دودمان عالی نژاد و بخشایشگر دانش پرور بشرح

ذیل شناخته ایم :

امیر فریغون حدود ۲۵۰ هـ

امیر احمد بن فریغون ۲۷۹ - ۳۴۰ هـ

ابوالحارث محمد بن احمد ۳۴۰ - ۳۸۹ هـ

فریغون بن محمد حدود ۳۹۴ هـ

ابو نصر احمد بن محمد ۳۹۰ - ۴۱۰ هـ

حسن بن ابو نصر احمد ۴۱۰ هـ^(۱)